

کتابخانه

منتخبی از پاسخ به
شبهات پرتکرار در مواجهه
با رژیم جعلی صهیونیستی

روشن

جلد اول



سورة الرحمن الرحيم



سایه روشن ۲؛
ویژه گروه‌های جهادی در شرایط جنگی

موضوع: منتخبی از پاسخ به شبهات پرتکرار در مواجهه با رژیم جعلی صهیونیستی
۳۲ ص.

تولید شده توسط: معاونت رشد و توانمندسازی سازمان بسیج دانشجویی.

تیر ۱۴۰۴

فهرست

- ۵ مقدمه
- ۶ چرا اسرائیل به ایران حمله نمود؟
- ۹ چرا آمریکا به جنگ میان ایران و اسرائیل ورود کرد؟
- چرا شرکای راهبردی ایران مانند چین و روسیه مانند رویکرد آمریکا به اسرائیل، در این جنگ به ایران کمک نکردند؟ ۱۱
- اسرائیل چگونه توانست در ساعات اولیه حمله دست به خرابکاری گسترده در داخل ایران بزند و چگونه حجم بالایی نفوذی و خرابکار داخل کشور دستگیر شدند؟ ۱۳
- میزان خسارت و آسیب دیدگی ایران و اسرائیل در طول دوازده روز چگونه بوده است؟ پیروز این میدان کدام سمت بود؟ ۱۶
- اگر پیروز میدان این نبرد ایران است چرا آمار کشته شدگان اسرائیل کمتر از ایران است؟ ۲۰
- تا زمانی که می شود گفت و گوی دیپلماتیک داشت چرا جنگ؟ چرا از هسته ای دست بر نمی داریم تا جنگ پایان یابد؟ ۲۲
- آیا کاهش تعداد موشک های شلیک شده در روزهای بعدی جنگ به منزله کاهش توان هجومی ایران و مشکل در تهیه مهمات است؟ آیا این ضعف موجب شد ایران پایگاه خالی آمریکا در قطر را بزند؟ ۲۵
- آیا تضاد بین میدان دیپلماسی و میدان نظامی منجر به آتش بس شد؟ آیا دولت عامل ناکامی فرماندهان است؟ ۲۹
- آیا اتباع افغانی عامل اصلی نفوذ در کشور هستند؟ چرا اخراج نمی شوند؟ ۳۲

مقدمه

در دنیای پرچالش امروز که ذهن‌های کنجکاو و پرسش‌گر جوانان با حجم عظیمی از اطلاعات، شبهات و تردیدها مواجه‌اند، بیش از هر زمان دیگری نیاز به روشنگری، تبیین عقلانی و پاسخ‌گویی مستدل احساس می‌شود.

جزوه پیش رو با هدف پاسخ‌گویی مستند، منطقی و علمی به برخی از مهم‌ترین شبهات مطرح در حوزه جریان مقاومت و رژیم جعلی صهیونیستی نگارش یافته است. تلاش شده تا در هر بخش، علاوه بر نقل دقیق شبهه، پاسخ آن با استناد به استدلال عقلی و روشن‌سازی مفاهیم ارائه شود تا مخاطب با دیدی جامع‌تر و اطمینان خاطر بیشتر به موضوعات بنگرد. امید است این تلاش ناچیز گامی باشد در مسیر فهم بهتر، زدودن غبار تردید و تقویت باورهای مبتنی بر دانش و اندیشه.

در این جزوه به سوالات پرتکرار جنگ ۱۲ روزه پرداخته شده است. هر شبهه دو مدل پاسخ دارد. پاسخ لقمه، خلاصه و نکات مهم شبهه را می‌گوید و پاسخ تفصیلی، شرح کاملی در مورد شبهه را پاسخ داده است.



چرا اسرائیل به ایران حمله نمود؟



پاسخ لقمه

- جمهوری اسلامی ایران مانع اصلی تحقق اهداف استعماری آمریکا و صهیونیسم در منطقه و جهان است
- تفکر استقلال‌طلبی و ضد استعماری جمهوری اسلامی ایران در حال گسترش در میان آزادگان جهان بوده و عرصه را بر رژیم غاصب صهیونیسم تنگ نموده است
- موجودیت اسرائیل در پی تقویت جبهه مقاومت به خطر جدی افتاده است.
- تصور اشتباهی بود که با تضعیف جبهه مقاومت در یک سال اخیر در کشورهای منطقه ایران آسیب‌پذیر شده و با ترور مستقیم فرماندهان ارشد خود نابود خواهد شد.

پاسخ تفصیلی

تحقق رویای اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات مستلزم تجزیه کشورهاست که این هدف جز با حکومت‌های دست‌نشانده استعماری محقق نمی‌گردد، وجود جبهه مقاومت در کشورهای مختلف منطقه مانع تحقق این هدف برای رژیم غاصب بوده است. از طرفی اسرائیل پس از واقعه ۷ اکتبر و تشکیل موج جدیدی از حمایت آزادگان جهان علیه این تجاوز و نسل‌کشی، موجودیت خود را در معرض خطر و تهدید می‌بیند. از همین رو اقدام به تشدید تغییر و خرابکاری در کشورهای محور مقاومت نموده است تا آخرین تلاش‌ها برای حفظ بقای خود را اجرایی نماید. سوریه، لبنان، عراق و یمن اهداف قبلی این رژیم بوده است که سعی نموده با ترور چهره‌های اثرگذار و ایجاد ناآرامی داخلی در این کشورها زمینه‌ساز تضعیف جمهوری اسلامی باشد. نظریه پردازان صهیونیسم معتقد بودند با تضعیف جبهه مقاومت در کشورهای همسایه ایران ضعیف شده و با یک حمله ناگهانی و ترور



همزمان تعداد زیادی از سرداران نظامی سقوط خواهد کرد. از همین رو نقشه حمله مستقیم به خاک ایران طرح‌ریزی شد.

مدیریت و درایت فرماندهی کل قوا و جایگزینی سریع سرداران شهید در کنار اتحاد و هماهنگی بی‌سابقه مردم و ارگان‌های نظامی، فعال شدن شبکه مردمی کنشگران و بسیج‌های محلات، روحیه شجاعت و دلیری ایرانی اسلامی و... موجب گردید محاسبات دشمن باطل شده و جنگ ۱۲ روزه مظهر قدرت و مظلومیت ملت آزاده ایران باشد. به بیان بهتر و خودمانی‌تر رژیم غاصب جنایتکاری که به هیچ خاک و سرزمینی تعلق ندارد و با غضب سرزمین دیگران به زیست ناپاک خود ادامه می‌دهد نمی‌تواند عشق به خاک و میهن در ملت شریف ایران را پیش‌بینی کند و به لطف خدا محاسباتش دچار اخلال می‌شود.



چرا آمریکا به جنگ میان ایران و اسرائیل
ورود کرد؟



پاسخ لقمه

- محاسبات صهیونیست‌ها اشتباه بود و آن‌ها نه تنها نتوانستند جامعه ایران را به سمت اهداف خود سوق دهند بلکه در آماج ضربات و حملات ایران نیز قرار گرفت که ضربات مهمی به آنان وارد نمود.
- ورود آمریکا برای حفظ بقای رژیم ضروری بود.

پاسخ تفصیلی

همان‌گونه که در شبهه ۱ عنوان شد اسناد و گزارشات اطلاعاتی نشان می‌دهد که برآورد رژیم صهیونیستی این بوده است که در کمتر از ۴۸ ساعت تمام بانک اهدافش را در ایران نابود می‌کند و پس از آن وارد فاز دوم یعنی ایجاد اغتشاشات و درگیری‌های شهری با همراهی منافقین، تجزیه‌طلبان، سلطنت‌طلبان و... می‌شود.

در میدان نبرد با یاری خدا دشمن در همان روز اول زیر ضربات سنگین موشکی ایران پی به اشتباه در محاسباتش برد و در روزهای بعد در جلسات سران رژیم به این جمع بندی رسیدند که با توجه به عدم توان دفاعی به واسطه رو به اتمام بودن ذخایر مهمات و عاجز بودن در اداره جامعه‌ای که ۲,۴ میلیون نفر آواره دارد، به استیصال رسیده‌اند و هیچ چاره‌ای جز ورود مستقیم آمریکا به جنگ ندارند. لذا حمله آمریکا به جنگ با ما صرفاً برای سرپوش گذاشتن بر شکست رژیم صهیونیستی و جلوگیری از نابودی او بود تا هم رژیم فرصت فرار و بازسازی داشته باشد و هم با ورود شیطان بزرگ به جنگ سعی کند وحشت را در جامعه ایرانی القا سازد تا جامعه را به سمت چنددستگی سوق دهد.



چرا شرکای راهبردی ایران مانند چین و
روسیه مانند رویکرد آمریکا به اسرائیل، در
این جنگ به ایران کمک نکردند؟



پاسخ لقمه

- حمایت‌های دیپلماتیک در مجامع جهانی انجام شده است.
- حمایت نظامی مستقیم به دلیل عدم نیاز ایران و کفایت قدرت دفاعی داخلی انجام نشد.

پاسخ تفصیلی

حمایت در شرایط جنگی به دو بخش ۱. نظامی و مستقیم و ۲. دیپلماتیک یا غیرمستقیم تقسیم می‌شود.

در شرایط جنگ ۱۲ روزه کشورهای هم‌پیمان ایران نظیر چین، روسیه، پاکستان و... حمایت‌های دیپلماتیک موثر و قابل توجهی از ایران در رسانه و مجامع بین‌المللی داشتند. در شرایط جنگی و نظامی حمایتی انجام نشد زیرا ایران درخواست حمایت نداشت. به بیان بهتر قاعده اصولی کمک به کشورها در هر جنگی، درخواست کشور درگیر جنگ است که در جنگ ۱۲ روزه، ایران هیچ درخواست کمکی به هیچ یک از شرکای راهبردی و کشورهای دوست خود نداشت و هیچ‌گونه پیام ضعیفی از طرف ایران به دشمن صادر نشد زیرا ایران معتقد بود با استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود در کشور می‌توان جنگ را مدیریت نمود. البته پس از توقف جنگ بر اساس راهبردهای دفاعی کشور، با شرکا و هم‌پیمانان جهت تقویت بنیه دفاعی همکاری صورت می‌گیرد.

در طول جنگ ۱۲ روزه، اضلاع محور مقاومت نیز اعلام آمادگی برای کمک به ایران را داشتند اما به دلیل این که سطح این جنگ، راهبردی بود هم ضرورتی برای ورود آنها دیده نشد و هم توان نظامی کشور به راحتی می‌توانست سطح درگیری فعلی را مدیریت و تامین کند.



اسرائیل چگونه توانست در ساعات اولیه
حمله دست به خرابکاری گسترده در
داخل ایران بزند و چگونه حجم بالایی
نفوذی و خرابکار داخل کشور دستگیر
شدند؟



پاسخ لقمه

- استفاده از حریم هوایی گسترده کشورهای مختلف، جنگ سایبری با تکیه بر هوش مصنوعی و برنامه‌ریزی شده موجب شد حملات اسرائیل در ساعات اولیه که ایران مشغول پیگیری مذاکرات با آمریکا بود، با شهادت سرداران و مردم عادی خسارت بالایی به ایران تحمیل کند.
- وجود نفوذی‌های غیرقانونی، بهائی و... و همچنین وجود مرزهای گسترده که جهت گذران زیست اقتصادی مرزنشینان کنترل راحتی دارد، موجب شد تا تجهیزات فراوانی وارد کشور شود.

پاسخ تفصیلی

در جنگ ۱۲ روزه، رژیم صهیونیستی با بهره‌گیری از برتری نسبی هوایی، استفاده از پیشرفته‌ترین هواپیماهای رادارگریز، بهره‌گیری از آخرین فناوری‌های هوش مصنوعی و سایبری و همچنین پشتیبانی مطلق آمریکا در مقابل پدافند کشورمان قرار گرفت. استفاده از هوش مصنوعی و اختلالات سایبری در کنار خرابکاری گسترده از پیش برنامه‌ریزی شده در ساعات اولیه حمله موجب حجم خسارات بالا و شهادت سرداران ایرانی گردید. با توجه به گستردگی مرزها و پراکندگی حضور اتباع بیگانه، خانواده‌های منافقین، سلطنت‌طلبان و مخالفان ایران، بهائیان و... در جامعه ایران، متاسفانه اجیر نمودن جاسوسان داخلی که وابستگی و علقه خاصی به وطن ندارند و با دریافت پول و مبالغ مادی حاضر به همکاری با دشمنان هستند تسهیل می‌گردد. نکته بعدی نیز عدم کنترل سخت‌گیرانه مرزهای کشور (رسمی و غیررسمی) به دلیل وابستگی معیشت و اقتصاد مرزنشینان است که دشمن از این حفره نیز نهایت بهره را برده و توانسته است تجهیزات خود را با برنامه‌ریزی



قبلی وارد کشور کند. ضروری است مسئولان دولتی و نهادهای امنیتی، در جهت مسدودسازی این حفره‌ها به سرعت تدبیر هوشمندانه‌ای را اتخاذ و عملیاتی کنند.



.....

میزان خسارت و آسیب دیدگی ایران و
اسرائیل در طول دوازده روز چگونه بوده
است؟ پیروز این میدان کدام سمت بود؟



پاسخ لقمه

- ورود آمریکا به صحنه نبرد جهت حفظ رژیم غاصب، واکنش همدلانه و وحدت‌بخش جامعه ایرانی در مقابل فشار داخلی رژیم صهیونیستی، عدم تحقق اهداف رژیم از حمله و... بیان می‌کند پیروز این میدان ملت و جامعه جمهوری اسلامی ایران بوده است.

پاسخ تفصیلی

برای تعیین کشور ضرر دیده و پیروز واقعی میدان به چند فاکتور اصلی می‌بایست توجه نمود:

- میزان تحقق کشور متخاصم و آغازگر جنگ به اهداف تعیین شده
 - نحوه ادامه یافتن و پایان جنگ
 - میزان خسارات مراکز دو کشور
 - واکنش دو جامعه به جنگ و واکنش حکومت
- نتایج این جنگ در تطبیق با شاخصه‌های بالا عبارتند از:
- عدم دستیابی آمریکا و رژیم صهیونیستی به اهداف اعلامی (نابودی توان هسته‌ای و موشکی) و غیر اعلامی (تغییر نظام و تسلیم شدن بدون پیش شرط ایران)
 - مجبور شدن آمریکا به ورود به جنگ برای سرپوش گذاشتن بر شکست رژیم صهیونی
 - به استیصال رسیدن رژیم صهیونی در تبعات آثار حملات موشکی ایران به شهرها و مراکز راهبردی آن که با وجود سانسور شدید خبری، برخی خرابی‌های آن گزارش شده است. برخی از این مراکز حیاتی که آسیب شدید دیده‌اند عبارتند از:



- ستاد فرماندهی مرکزی ارتش اسرائیل در تلاویو
- پایگاه راهبردی نیروی هوایی نواتیم (محل استقرار جنگنده‌های اف ۳۵)
- موسسه وایزمن (مغز امنیتی و پشتیبانی ارتش رژیم)
- پایگاه نظامی گلیلوت (یکی از مهمترین مراکز اطلاعاتی اسرائیل)
- نیروگاه برق فیکال (تامین کننده بخش قابل توجهی از برق رژیم صهیونیستی)
- مرکز فرماندهی جنوب ارتش اسرائیل در بئرالسیع
- فرماندهی مرکزی ارتباطات، کنترل و اطلاعات ارتش اسرائیل
- کمپ اطلاعاتی ارتش گام-یام (فرماندهی ارتباطات، کنترل و اطلاعات ارتش رژیم صهیونیستی)
- ساختمان بورس الماس (بزرگترین بورس الماس جهان و تامین کننده بیش از ۳۰ میلیارد دلار درآمد سالانه برای رژیم صهیونیستی)
- تاسیسات زیرساختی استراتژیک در جنوب رژیم صهیونیستی
- پالایشگاه بازان در حیفا (بزرگترین پالایشگاه نفت رژیم صهیونیستی)
- به گزارش یدعوت آحارونت، اقتصاد رژیم صهیونیستی در طول این جنگ به طور کامل فلج شده، اقتصاد به حالت بحرانی در آمده و ۱۲ هزار میلیارد دلار درخواست غرامت صادر شده است.
- پالایشگاه حیفا بزرگ ترین پالایشگاه نفتی اسرائیل با ظرفیت ۲۰۰ هزار بشکه از مدار تولید خارج شده است.
- فشار جامعه صهیونی به سران رژیم بر اساس رسیدن به لبه گسست و فروپاشی سیاسی-اجتماعی آن
- اقرار بسیاری از تحلیلگران آمریکایی و اسرائیلی مبنی بر شکست رژیم صهیونیستی



افزایش اتحاد ملی بین اقشار گوناگون جامعه ایرانی در خلال جنگ که نقشه دوم دشمن مبنی بر آشوب داخلی را ناکام گذاشت. دشمن سعی داشت با القای ناامنی شدید در جامعه مردم را علیه حاکمیت تحریک کند. در همین راستا پس از ورود مسافران به شهرهای شمالی کشور اقدام به فعال‌سازی ریزپرنده‌ها و پهپادها در این مناطق نمود تا با ارباب مردم القا کند هیچ کجای جامعه ایران امن نیست اما بازگشت مردم به شهرهای خود پس از پایان تعطیلات و در میانه جنگ این نقشه را نیز بی‌اثر نمود. به بیان بهتر جامعه ایرانی با همدلی و در کنار هم بودن در نبرد تاب‌آوری در این جنگ بسیار موفق عمل نمود در حالیکه در جبهه مقابل گسست اجتماعی ساکنان آن موجب ناآرامی و فشار داخلی و حتی مهاجرت برخی صهیونیست‌ها به قبرس و... جهت فرار از جنگ گردید.

واکنش فعالان جهانی مانند خواننده‌ها، بازیگران، اهل رسانه و... و بیداری در کشورهای مختلف در حمایت از ایران، موجب گردید رژیم جهت حفظ اعتبار خود اقدام به شایعه‌پراکنی و استفاده از ابزار مظلوم‌نمایی جهت متهم نمودن ایران کند که با شکست مواجه گشت.



اگر پیروز میدان این نبرد ایران است چرا
آمار کشته شدگان اسرائیل کمتر از ایران
است؟



پاسخ لقمه:

- نوع زیست ساکنان مناطق صهیونیستی و داشتن پناهگاه در دسترس موجب می‌شود در مواقع خطر سریعاً پناه گیرند و ریسک مرگ کاهش یابد.
- ایران مناطق نظامی امنیتی را هدف داده است نه مناطق مسکونی اما رژیم صهیونیستی مناطق مردمی را در ایران هدف گرفت.

پاسخ تفصیلی:

برخی علل آمار بالای شهدای ایران در مقایسه با کشته‌شدگان اسرائیل عبارتند از:

- حمله ابتدایی ناگهانی و در شب و به مناطق مسکونی انجام شد که تمام منازل افراد در حال استراحت بودند و شهدای زیادی در همان روز اول به ثبت رسیدند.
- ایران عموماً مناطق نظامی و امنیتی یا مناطق وابسته به آن را هدف قرار می‌داد یعنی هدف‌گذاری بر اشخاص نداشت بلکه تمرکز بر مناطق راهبری و حیاتی بود. درحالی‌که دشمن بی‌ذات از حمله به منازل مسکونی، آمبولانس‌درمانی، مدرسه، زندان، بیمارستان، صداوسیما، پارک بازی کودکان و... بیشترین استفاده را جهت افزایش ارباب و تلفات انسانی دریغ نکرد.
- ایران پیش از شلیک مکان‌های مورد حمله را اعلام می‌کرد تا به افراد فرصت ترک مکان داده باشد زیرا که مطابق حکم شرع اسلام قصد کشتار دسته‌جمعی نداشت.
- نوع زیست ساکنان سرزمین اشغالی به گونه‌ای است که در طول ۷۶ سال عمر پر جنایت این رژیم منحوس به عنوان یک انگاره زیستی آموخته‌اند در رفتن به پناهگاه و داشتن پناهگاه‌های ایمن سرعت عمل داشته باشند. به همین علت به محض فعال شدن آژیر خطر خود را به پناهگاه رسانده و ایمن می‌شوند درحالی‌که مردم عادی در ایران چنین زیست‌جنگی را تجربه نموده‌اند.



تا زمانی که می شود گفت و گوی دیپلماتیک
داشت چرا جنگ؟ چرا از هسته ای دست
بر نمی داریم تا جنگ پایان یابد؟



پاسخ لقمه

- جنگ در اثنای مذاکرات شروع شد
- هدف نهایی کاهش قدرت منطقه‌ای ایران و تحت سلطه قرار دادن کشورهای منطقه توسط غرب است نه هسته‌ای.

پاسخ تفصیلی

ابتدا ذکر این نکته ضروری است که شروع کننده جنگ ایران نبود. ایران در حالی مورد این حمله وحشیانه قرار گرفت که مشغول مذاکرات با آمریکا بود و این جنگ ثابت نمود مذاکره با کشوری که به دنبال استعمار و چپاول ملت‌هاست مصونیت نمی‌آورد. آقای عباس عراقچی وزیر امور خارجه وقت ایران در این مورد فرمودند: «ایران چگونه به میز مذاکره‌ای برگردد که اسرائیل و آمریکا نابودش کردند؟ هفته گذشته، وقتی ما در حال مذاکره با آمریکا بودیم، اسرائیل تصمیم گرفت دیپلماسی را نابود کند. این هفته، وقتی با گروه تروئیکای اروپا E3 و اتحادیه اروپا گفت‌وگو داشتیم، آمریکا تصمیم گرفت آن دیپلماسی را نابود کند. از این وضعیت چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟ از نگاه بریتانیا و مسئول عالی رتبه سیاست خارجی اتحادیه اروپا، موضوع این است که ایران باید به میز مذاکره بازگردد. اما چگونه ممکن است ایران به چیزی بازگردد که هرگز ترک نکرده، چه برسد به اینکه نابودش هم کرده‌اند.

از طرف دیگر هسته‌ای تنها علت حمله به ایران نیست چرا که آنان مطمئن هستند ایران اقدام به ساخت سلاح هسته‌ای برای کشتار جمعی نکرده است زیرا آژانس ایران را تحت بازرسی دقیق قرار داده است. در حقیقت دشمن در تلاش است با بهانه هسته‌ای قدرت نظامی، موشکی و منطقه‌ای ایران را تضعیف کند تا با نابودی جبهه مقاومت به اهداف استعماری خود در منطقه دست یابد. حتی اگر تنها دلیل حمله هسته‌ای باشد که نیست؛



آفتقد ر محاسن و حفظ سرمایه از کاربرد نظامی تا دارویی و انرژی دارد که حق ایرانیان است از فواید غنی سازی صلح آمیز آن بهره مند شوند.

ذکر این نکته هم ضروری است که تجربه لیبی، عراق و شوروی نشان می دهد تسلیم برنامه هسته ای مانع سرنگونی قذافی نشد، همکاری صدام با بازرسان آمریکایی مانع حمله آمریکا به عراق به بهانه تسلیحات کشتار جمعی نگشت و پذیرش کاهش تسلیحات هسته ای توسط گورباچف در همکاری با آمریکا منجر به فروپاشی اقتصادی و سیاسی شوروی شد.

وجود استانداردهای دو گانه در غرب نشان می دهد اعتماد به آمریکا برای مذاکره و خلع هسته ای غیرمنطقی است. از نمونه های بارز این استاندارد دو گانه آن است که ایران، امضاکننده NTP حق غنی سازی صلح آمیز دارد اما آمریکا و اسرائیل این حق را زیر سوال می برند. آمریکا تنها کشوری است که از تسلیحات هسته ای در جنگ (هیروشیما و ناکازاکی) استفاده نمود و اسرائیل بدون امضای NTP زرادخانه هسته ای دارد که مورد حمایت غرب است.



آیا کاهش تعداد موشک‌های شلیک شده
در روزهای بعدی جنگ به منزله کاهش
توان هجومی ایران و مشکل در تهیه
مهمات است؟ آیا این ضعف موجب شد
ایران پایگاه خالی آمریکا در قطر را بزند؟



پاسخ لقمه

- کاهش موشک ارسالی با اصابت دقیق یعنی تضعیف سامانه رهگیری و پدافندی دشمن
- ایران در صنعت موشکی قدرت بالایی دارد و سال‌ها برای این مسئله آمادگی کسب کرده است.
- نقطه مورد هدف و اهمیت استراتژیک آن بسیار مهمتر از پر یا خالی بودن پایگاه است.

پاسخ تفصیلی

- بسیاری از رسانه‌های معاند بر این مسئله مانور می‌دهند که ذخیره موشکی ایران رو به اتمام است. آنها تلاش دارند با این مسئله سبب القای ناامنی روانی در جامعه ایران شوند. جواب این پرسش مشخص است؛ موشک‌ها همچنان به میزان نیاز و بیش از نیاز وجود دارند زیرا:
- ایران همواره خود را برای چنین جنگی آماده کرده است و آمادگی مقابله را تقویت نموده.
 - دستور دهه‌های گذشته مقام معظم رهبری به نیروی‌های مسلح، آمادگی کامل و تجهیزات برای آینده بوده است که یقیناً دستور فرماندهی کل قوا مورد اطاعت واقع شده است.
 - فرمانده شهید حاجی‌زاده بارها بر روی صدها شهرک موشکی ایران و قدرت موشکی ما تاکید نموده و فیلم‌های ده‌ها هزار موشک را نشان داده‌اند.
 - مطابق نظر فرمانده سپاه در این جنگ ما از موشک‌های راهبردی خود استفاده نکردیم و هنوز شگفتی‌سازهای موشکی فراوانی برای غافل‌گیری دشمن داریم.
- اگر شلیک موشک‌ها در روزهای بعدی جنگ کاهش یافته ناشی از برنامه‌ریزی نظامی است. برای مثال در روزهای ابتدایی موشک‌های بیشتری شلیک می‌شد زیرا بخشی از



موشک‌ها وظیفه مشغول‌سازی گنبد آهنین را به عهده داشتند تا موشک‌های دیگر به هدف اصابت کند. با آسیب دیدن گنبد آهنین و کاهش توان رهگیری و مقابله دشمن، حجم موشک‌های ارسال شده کاهش یافت و دقیق به اهداف اصابت نمود که موجب سانسور خبری سنگین در سرزمین اسرائیل شد تا مانع گسترش اخبار خرابی‌ها گردد. در واقع ایران با هدفمندسازی دقیق پرتاب‌ها در روزهای بعدی جنگ موشک‌های کمتر با اثرات تخریبی بالاتر پرتاب نمود.

در ارتباط با حمله به پایگاه آمریکا نیز ذکر این نکته ضروری است که در شرایط جنگی، یکی از مرسوم‌ترین اقدامات هر کشور، تخلیه پایگاه‌ها و مراکز راهبردی خود در جهت مصون ماندن از خسارات و آسیب‌های هنگفت هست. (همان‌طور که ایران نیز بسیاری از تاسیسات و مراکز و پایگاه‌های خود را تخلیه کرد.) پیام اصلی حمله موشکی به پایگاه العدید (هر چند تخلیه شده بود) این است که ایران، دسترسی به مراکز مهم آمریکا در منطقه را دارد و هر زمان، هر نقطه را که مقتضی بداند می‌تواند مورد حمله قرار دهد. با این روش آمریکا دیگر احساس امنیت در منطقه ندارد و هیبت بزرگی آمریکا که روزگاری تصور می‌شد هیچ کشوری جرات رویارویی با آن را ندارد، شکسته است. پایگاه العدید از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مراکز نظامی آمریکا در غرب آسیاست که هدف حمله قرار گرفتن آن (از نظر اهمیت پایگاه) بسیار مهم‌تر از پر یا خالی بودن آن است. این پایگاه مقر اصلی فرماندهی نیروهای مرکزی آمریکا در منطقه (CENTCOM) بوده و با دارا بودن باندهای پرواز طولانی بستر امن و مطمئن آمریکا برای انواع پهپادها و هواپیماهای نظامی جهت دسترسی به عملیات هوایی در عراق، سوریه، یمن، افغانستان و... قلمداد می‌شد. هدف قرار دادن چنین زیرساختی ان‌شاءالله نقش موثری در تحولات آتی منطقه خواهد داشت که نمونه آن را در از کار انداختن رادار اصلی این پایگاه مشاهده می‌شود. با از کار افتادن این



رادار در حمله ایران، رهگیری موشک‌های ارسالی از این منطقه برای اسرائیل بسیار سخت شده و آن را دچار مشکل نموده است.



آیا تضاد بین میدان دیپلماسی و میدان
نظامی منجر به آتش بس شد؟ آیا دولت
عامل ناکامی فرماندهان است؟



- دوگانه میدان دیپلماسی تلاش دشمن جهت ایجاد چند دستگی و بهره‌برداری از حضور احزاب مختلف جهت تشویش و ناامنی است.

پاسخ تفصیلی

ادعای دوگانگی دیپلماسی-میدان و دولت-رهبری، در واقع یک خط رسانه‌ای دشمن برای القای شکست به ایران است. این یک تاکتیک معروف در عملیات روانی و رسانه‌ای است که دشمن بعد از ناکامی در تحقق اهداف نظامی‌اش به آن دل بسته است؛ این تاکتیک به «آغاز از پله دوم» معروف است؛ یعنی مسئله دوقطبی جعلی را مطرح کنیم و از پله دوم آغاز کنیم تا پله اول و مسئله اول، یعنی شکست خورده بودن ایران، پیش فرض تلقی شود و درباره واقعیت یا عدم واقعیت آن سخنی به میان نیاید. این مسئله از زمان دولت آقای روحانی پررنگ شد که به جامعه القا گشت میدان و دیپلماسی مقابل یکدیگرند. جناح‌ها و اشخاص نیز از این بستر بهره بردند و افرادی که مخالف میدان بودند در فضای حمایت از دیپلماسی قرار گرفتند و افرادی که مخالف دیپلماسی بودند در جبهه حمایت از میدان اقدام به تضعیف دیپلماسی نمودند. این الگوی رفتاری که از زمان برجام برجسته شد، تاکنون نیز تا حدودی ادامه داشته است اما در دولت شهید رئیسی کمتر شاهد برجسته‌سازی این دوگانه بودیم و جامعه ابراز می‌نمود دولت و میدان همسو با هم ایفای نقش می‌کنند.

دولت و دیپلماسی در طی روزهای گذشته در جنگ ۱۲ روزه نه تنها اختلالی در نبرد ایجاد نکرد، بلکه با همراهی و پیشگامی خود کمک مهمی به میدان بود و از این جهت باید از دولت و دیپلماسی تقدیر شود. اساساً دیپلماسی، نبردی از نوع دیگر است؛ اگر دیپلماسی فایده‌ای نداشت، سردار بزرگ اسلام، حاج قاسم سلیمانی، یکی از مهم‌ترین وجوه نبرد خود و یکی از بزرگ‌ترین کارویژه‌هایش را به میدان آوردن کامل دیپلماسی برای تحقق



اهداف در میدان قرار نمی‌داد. بنابراین آنچه در واقعیت رخ داده، هماهنگی کامل دیپلماسی و میدان است و از قضا، این امر، یکی از شکست‌های مهم دشمن و توفیقات بزرگ ملت است.

تصور اشتباهی که وجود دارد آن است که برخی صلح تحمیلی را به پای آتش بس می‌نویسند و آن را جام زهر ۱۴۰۴ معنا می‌کنند. اما باید در نظر داشت صلح تحمیلی که رهبر معظم انقلاب با شجاعت و قدرت، آن را منتفی کردند، مختصات مشخصی دارد؛ «استحاله»، «تامین امنیت رژیم صهیونیستی»، «عقب نشینی از مولفه بازدارندگی، مانند توانمندی موشکی» و «انهدام و عقب‌نشینی کامل از مولفه‌های قدرت، مانند توانمندی هسته‌ای» مهمترین ارکان آن هستند. نقشه دشمن این بود که از طریق قدرت نظامی خود، یک امر سیاسی را به کشور تحمیل کند و آن اینکه ایران از روی ضعف پشت میز مذاکره بنشیند و صلح تحمیلی را امضا کند. اما آنچه در واقعیت رخ داده، هیچ یک از اینها نبوده، نه استحاله‌ای برای تداوم نبرد راهبردی با رژیم صهیونیستی صورت گرفته، نه تضمین سیاسی و نظامی برای امنیت رژیم صهیونی از ناحیه ایران دریافت شده است، نه مولفه‌های بازدارندگی کشور تقدیم دشمن شده و نه مولفه قدرت. بنابراین آنچه رخ داده هیچ نسبتی با «صلح تحمیلی» ندارد؛ بلکه تحمیل توقف جنگ به دشمن صهیونیستی و آمریکای جنایتکار است که آن هم با درخواست شخص ترامپ از طریق امیر قطر اتفاق افتاد. این یعنی میدان و دیپلماسی به نحوی هماهنگ با هم عمل نموده‌اند که هیچ یک از اهداف صلح تحمیلی محقق نشود. تلاش دشمن بر آن است که با تضعیف دیپلماسی و ایجاد دوگانه در ارکان اصلی کشوری، مردم را در دوگانه کاذب غرق سازد. از این رو لازم است اشخاص و رجل سیاسی تمام توان خود را جهت اقناع و آگاه‌سازی جامعه در این مورد به کار گیرند.



آیا اتباع افغانی عامل اصلی نفوذ در کشور
هستند؟ چرا اخراج نمی شوند؟



پاسخ لقمه

مجرم باید مجازات شود بلاشک چه ایرانی داخلی و چه مهاجر خارجی، اما سوال اصلی اینجاست که چرا فقط بر اتباع افغانستانی تمرکز شده است و این دو ملیت را به یکدیگر بدبین می‌کند؟ این تاکید تک جانبه خطر ایجاد شکاف بین دو کشور را تشدید می‌کند. لازم است طرح سازمان ملی مهاجرت و سامان‌دهی اتباع خارجی اجرایی شود که جریان نفوذ مانع از تصویب آن شده است تا به این مسائل دامن بزند. همین جریان نفوذ در تلاش است با برجسته‌سازی مسئله اتباع اذهان را از اصل نفوذیان منحرف سازد.

پاسخ تفصیلی

جنگ ۱۲ روزه یک جنگ چندگانه است که دشمن سعی می‌کند از تمام ابزارها و قوا جهت سرگونی نظام جمهوری اسلامی ایران استفاده کند. یکی از فاکتورهای مهم پس از جنگ نظامی، رسانه‌ای، تلاش جهت ایجاد تفرقه و چند دستگی در جامعه و ارباب مردم عادی، استفاده از بستر درگیری دو قومیت مختلف است که می‌تواند ایران را با چالش مواجه کند. از همین رو ملیتی انتخاب می‌شود که بیشترین جمعیت را در ایران داشته باشد. مهاجران به ایران از کشورهای مختلف مانند تاجیکستان، لبنان، ترکمنستان، هند، پاکستان، افغانستان و... هستند و حتی تروریست‌های شاهچراغ و سالگرد شهادت سپهبد سلیمانی از اتباع تاجیک هستند، اما این مهاجران به علت جمعیت کم بستر اغتشاش داخلی ندارند. فلذا تمرکز بر ایجاد دوگانه ایرانی-افغانی و شعار اخراج افغانی-مطالبه ملی در سال‌های اخیر می‌شود تا با پررنگ نشان دادن نقش افغان‌ها در حمله اخیر، نارضایتی ایرانیان جهت حضور آنان افزایش یابد و بستر ساز جنگ قومیتی در خلال جنگ با اسرائیل شود. سند تایید این سخن، حجم فعالیت مجازی بالا در ۲،۵ سال گذشته در این زمینه است که اغلب محتواهای رسانه‌ای، تبلیغات پروکسی و حتی محتواهای کانال‌های تخصصی مانند بورس و ارز و



زیبایی-بهداشتی و... را به این سمت و سو سوق می‌دهد. این جنگ روانی سنگین، ایرانیان را متجاوز به دختر افغان در کیش معرفی می‌کند تا خروش افغان‌ها در ایران را برانگیزاند و در جنگ ۱۲ روزه، افغان‌ها را عامل اصلی جاسوسی و نفوذ در ایران معرفی می‌کند تا خروش ایرانیان علیه قومیت افغان را تشدید کند و بستر ساز ایجاد شکاف عمیق بین دو کشور شود. همچنین سعی می‌کند با ارائه اخبار جعلی از آمار اتباع افغانی ساکن در ایران احساس ترس ایجاد کند که احتمال تغییر ترکیب قومیتی جمعیتی در ایران به علت حجم بالای مهاجران افغان وجود دارد.

برخورد صحیح آن است که تمام مهاجرین و اتباع شناسایی و بررسی و سامان‌دهی شوند. اتباع جاسوس شناسای و مجازات شوند، اتباع غیرمجاز برگردانده و اخراج شوند و اتباع مجاز که در کشور هستند دسته‌بندی شوند؛ نخبگان، دانشجویان و دانش‌آموزان، کارآفرینان و... مشخص شوند و در جایگاه درست تصمیم‌گیری شود. این تفکر صحیح از یک ملت مسلمان است که مرکز صادرات تفکر انقلاب اسلامی است.

ذکر این نکته هم ضروری است که دشمن در پی تضعیف تمام بازوهای ایران است. باید در نظر گرفت اگر شرایط رسانه‌ای دست‌نشانده جامعه و جهان هیچ واکنشی به حضور جاسوسان در ایران از فرقه ضاله بهائیت، جاسوسان گروهک‌های تروریستی با ملیت‌های گوناگون و... نشان نمی‌دهد، حتی گروه‌های تروریستی دیروز را به رسمیت می‌شناسد و از لیست تروریستی خود خارج می‌کند؛ چرا تمام تمرکز خود را بر سیاه‌نمایی و فحاشی بر قومیتی گذاشته است که تیپ فاطمیون آن در نبرد با دشمنان تکفیری دوشادوش دیگر مدافعان حرم جان‌فشانی کرد و در راه دفاع از ایران شهید تقدیم نمودند؟ چرا از شهدای افغان در جنگ ۱۲ روزه سخن به میان نمی‌آید و فقط از جاسوسان سخن گفته می‌شود؟ چرا از حمایت مردم افغانستان از پیروزی ایران بر رژیم صهیونیستی و انعکاس بازتاب رفتار پرامید و ولایت‌مدارانه مردم کشور افغانستان نسبت به حضور مقام معظم رهبری و جایگاه



رهبری ایشان گزارشی منتشر نمی‌شود؟ بله باید جاسوس شناسایی و محاکمه شود اما نباید یک قومیت تکفیر شود.

دشمن به دنبال تغییر میدان بازی با همین استراتژی‌هاست و تلاش می‌کند با این دوگانه، ملت شریف افغان را که در دورانی که مهمان کشور ایران بوده‌اند از برکات و آموزه‌های انقلاب اسلامی بهره‌مند شده‌اند، در جبهه خود و به عنوان ضدانقلابی نشان دهد که موجب نابودی ایران است تا ضربات خود را بر تفرقه در جهان اسلام و آشوب داخلی در ایران هم‌زمان وارد سازد. برای مثال از ۶ ماه قبل ایران اعلام نموده بود اتباع غیر مجاز باید تا ۱۵ تیرماه ۱۴۰۴ از ایران خارج شوند. طبیعتاً با نزدیکی به این تاریخ آمار خروج مهاجرین غیرمجاز افزایش می‌یابد اما اکنون دشمن چنین القا می‌کند که این مسئله خروج، برخورد وحشیانه ایرانیان بعد از جنگ با اتباع است تا به این تفرقه دامن بزند و موجب واکنش دو کشور با یکدیگر شوند. حکومت سرپرست افغانستان به رهبری اهل سنت علاوه بر محکوم ساختن حمله اسرائیل به خاک ایران، یکی از ۳ حکومتی بود که بلافاصله پس از حمله آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران، آن را محکوم نمود و با ملت ایران همراهی کرد اما این قبیل اخبار بازتاب داده نشد و مورد بایکوت قرار گرفت. در این مسیر توجه و نگاه ملت ایران باید به مواضع رسمی جمهوری اسلامی ایران در برخورد انسانی با مسئله مهاجرین باشد نه محتوای عملیات روانی دشمن و اغراق‌نمایی‌های هدف‌دار آن. لازم است طرح سازمان ملی مهاجرت و سامان‌دهی اتباع خارجی اجرایی شود که جریان نفوذ مانع از تصویب آن شده است تا به این مسائل دامن بزند. این طرح از زمان شهید ریسی تقدیم مجلس شد و اکنون پس از تصویب توسط مجلس در اجرایی سازی با کارشکنی و عملیات روانی افرادی روبه‌رو است که برای تحقق جنگ بین افغانی و ایرانی هیزم می‌ریزند. در حقیقت نفوذیان اصلی در تلاشند با برجسته‌سازی مسئله نفوذی‌ها و جاسوسان مهاجر، اذهان



را از مطالبه دستگیری نفوذیان رده بالا کشوری به نفوذیان مهاجر منحرف نموده و مطالبه ملی را تقلیل دهند تا بقای خود را تضمین کنند.





در دنیای پرچالش امروز که ذهن‌های کنجکاو و پرسش‌گر جوانان با حجم عظیمی از اطلاعات، شبهات و تردیدها مواجه‌اند، بیش از هر زمان دیگری نیاز به روشنگری، تبیین عقلانی و پاسخ‌گویی مستدل احساس می‌شود. جزوه پیش‌رو با هدف پاسخ‌گویی مستند، منطقی و علمی به برخی از مهم‌ترین شبهات مطرح در حوزه جریان مقاومت و رژیم جعلی صهیونیستی نگارش یافته است.



مدرسه حکمت و پیشرفت

www.tavana.school